

مسئله‌ای در مورد چک

فرض مسئله : شخصی بدیگری مراجعه و درخواست مینماید و سینه استخدام او را در یکی از مؤسسات دولتی یا ملی فراهم نماید و شخصی مرجوع الیه بدون اینکه واقعاً توانائی انجام این امر را داشته باشد بمنظور فریب و کلاهبرداری طرف خود را به اختیارات غیر واقع مغرور وامیدوار مینماید و بعنوان دستمزد چکی از او دریافت میدارد. ولی صادرکننده چک که بعداً متوجه میشود که از ناحیه طرف هیچگونه اقدامی برای استخدام او نخواهد شد و میفهمد سوء نیتی در کار بوده دستور عدم پرداخت چک را بانک صادر مینماید. در اینصورت کدام یک از ایندو نفر گناهکارند و کدام یک قابل تعقیب کیفری میباشد؟ آیا باید صادرکننده چک بموجب قانون مجازات صدور چک بلامحل تحت تعقیب قرار گیرد یا دارنده چک طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی بمجازات برسد؟

ظاهراً چنین بنظر میرسد که برائت یکی موجب محکومیت دیگری است ولی این موضوع چگونه اثبات میشود؟ ابتدا عمل دارنده چک را مورد بحث قرار میدهیم : دارنده چک سوء نیت داشته بقصد کلاهبرداری اقدام بعمل نموده ولی چون با دستور عدم پرداخت وجه چک مواجه شده و در نتیجه مال مورد دعوی را بدست نیاورده عمل او شروع بکلاهبرداری محسوب میشود و طبق قسمت اخیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب و مجازات است ولی صادرکننده چک از نظر قوانین کیفری چه وضعی خواهد داشت؟ در اینجا بذکر دو قسمت از قانون جدید چک می‌پردازم و سپس به بحث خود ادامه میدهم.

قسمت اخیر ماده ۳ قانون مذکور مشعر است بر اینکه : « . . . در صورتیکه چک گم یا سرقت شود یا بنحوی از مجعول بودن آن اطلاع حاصل شود بانک بتقاضای صادرکننده از پرداخت وجه خود داری مینماید. »

و ماده ۸ میگوید : « در صورتیکه بانک طبق قسمت آخر ماده ۳ از پرداخت وجه چک خودداری نماید و ادعائی که موجب عدم پرداخت شده ثابت

نشود مدعی علاوه بر مجازات مقرر قانونی به تأدیه خسارت معنوی دارنده چک . .
محکوم خواهد شد . «

مستفاد از دو قسمت قانون جدید چک که در فوق ذکر شد اینستکه چنانچه یکی از علل سه گانه مجعول بودن یا سرقت یا گم شدن چک موجود باشد دستور عدم پرداخت چک ببانک از طرف صادرکننده مجوز قانونی داشته و جرم نخواهد بود ولی در اینجا نویسندگان قانون جدید چک بنظر نگارنده دو مورد را مسکوت گذاشته‌اند .

اول اینکه اگر مجعول بودن یا سرقت چک مجوزی برای صدور دستور عدم پرداخت باشد چه علت و فلسفه‌ای دارد که اگر دارنده چک بوسیله ارتکاب بجرم دیگری از جمله کلاهبرداری که مورد بحث این مقاله است چک را بدست آورد نتواند دستور عدم پرداخت ببانک صادر نماید و چرا حيله و تقلبات دیگری که ممکن است دارنده چک برای بدست آوردن چک بکار برد در قانون جدید چک پیش بینی نشده ؟ دوم اینکه بموجب ماده ۸ در مدت زمانیکه صادرکننده چک در صدد اثبات ادعای خویش است وظیفه بازپرس و سایر قضات تحقیق برای تعقیب کیفری او چیست ؟ آیا باید پرونده را مختومه یا مفتوح نگهدارند ؟ اگرچه بموجب ماده ۹ همین قانون تکلیف صادرکننده چک را که برای جلوگیری از پرداخت وجه چک بمقامات قضائی رجوع نموده باشد تا اندازه‌ای روشن شده ولی فرض اینستکه بمقامات قضائی رجوع نشده وغالباً هم درحمل مشاهده میشود که صادرکنندگان چک بعلمت عدم اطلاع از قانون یا بهرعلت دیگر بمقامات قضائی مراجعه نمی نمایند .

بنابراین بنظر نگارنده برای اثبات ادعای صادرکننده چک مبنی بر اینکه دارنده چک مرتکب جعل یا سرقت شده قضات تحقیق باید تا صدور حکم قطعی درباره دارنده چک تأمل نمایند و پرونده مربوط به اتهام صادرکننده چک را مفتوح نگهدارند چه آنکه مسلم است تا حکم قطعی مبنی بر محکومیت درباره کسی صادر نشود نمیتوان او را مجرم دانست ولی عقیده بعضی از همکاران بر اینستکه تعقیب کیفری هر دو نفر یعنی هم صادرکننده و هم دارنده چک بموازات یکدیگر منافاتی با موازین قانونی ندارد به این معنی که از متهم صادرکننده چک تأمین اخذ شود و سپس بدفاع او از جمله دلائل او مبنی بر اینکه دارنده چک مرتکب سرقت یا کلاهبرداری شده است

رسیدگی و موضوع تعقیب شود. اکنون برگردیم به اشکال اولی: چنانچه دارنده چک از طریق دیگری غیر از جعل و سرقت چک را بدست آورد و صادرکننده دستور عدم پرداخت داد آیا قابل تعقیب جزائی هست یا خیر؟ بنظر نگارنده اخذ تأمین از متهم صادرکننده چک مانعی ندارد ولی باید بدفاع او در مورد کلاهبرداری سریعاً رسیدگی شود و محکومیت او منوط به این رسیدگی است که در صورت اثبات کلاهبرداری فقط دارنده چک محکوم به مجازات خواهد شد و صادرکننده از اتهام وارده مبری است.

امیدوارم همکاران عزیز هم نظرات خویش را که یقین دارم از عقاید نگارنده بهتر و موجه‌تر است در موارد مذکور در فوق ابراز فرمایند.



رسیدگی و موضوع تعقیب شود. اکنون برگردیم به اشکال اولی: چنانچه دارنده چک از طریق دیگری غیر از جعل و سرقت چک را بدست آورد و صادرکننده دستور عدم پرداخت داد آیا قابل تعقیب جزائی هست یا خیر؟ بنظر نگارنده اخذ تأمین از متهم صادرکننده چک مانعی ندارد ولی باید بدفاع او در مورد کلاهبرداری سریعاً رسیدگی شود و محکومیت او منوط به این رسیدگی است که در صورت اثبات کلاهبرداری فقط دارنده چک محکوم به مجازات خواهد شد و صادرکننده از اتهام وارده سبری است.

امیدوارم همکاران عزیز هم نظرات خویش را که یقین دارم از عقاید نگارنده بهتر و سوجه‌تر است در موارد مذکور در فوق ابراز فرمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی